



IMDb

7.5/10

Running Time

80 Min.

جنایت در خای نزدیک

«گلدبک: بحران گروگان گیری» مستندی آرشیوی از واقعه‌ای خونین در سال ۱۹۸۸ است

بود. «گلدبک: بحران گروگان گیری» ساخته ولکر هاسی مستندی مبتنی بر عکس‌ها و فیلم‌های آرشیوی از یک گروگان گیری نفس گیر است که پیش از فروریختن دیوار برلین در آلمان غربی رخ داد. این مستند یکی از محصولات نتفلیکس است که در سال‌های اخیر با تولید مستندهای عامه پسند سهم زیادی در رونق بخشیدن به بازار مستند داشته است.

صبح یکی از روزهای ماه آگوست سال ۱۹۸۸ است که تلویزیون شروع به پخش خبری غیرمنتظره و دلهره آور می‌کند؛ خبری که حتی نمی‌شود حدس زد قرار است شروع واقعه مهمی باشد که ۲ روز و ۱۹ دقیقه به طول می‌انجامد و تجربه‌ای پرمخاطره برای اهالی رسانه و تلخ و پرهزینه برای نیروی پلیس آلمان خواهد

نداندنی

پیتر میر، عکاس، به گروگان‌گیران نزدیک می‌شود و نقش پیام‌رسان را ایفا می‌کند. میر به دوربین خبرنگاران می‌گوید که گروگان‌گیران یک ماشین بدون شنود و چند درخواست دیگر دارند. معلوم نیست هدف او از بر عهده گرفتن این نقش و قاطعی شدن در ماجرا چیست. نگران جان مسافران اتوبوس است یا وسوسه دیده شدن در چنین واقعه‌ای او را به این کار واداشته؟ با اینکه مجری تلویزیون معتقد است مجرمان از فیلم‌های جنایی ایده گرفته‌اند اما خیلی زود و در صحنه‌ای بسیار عجیب، گروگان‌گیر در خواست مصاحبه یکی از خبرنگاران را می‌پذیرد و در حلقه رسانه‌ها حاضر می‌شود و می‌گوید که سابقه کیفری دارد و ذاتا مجرم است. سپس در پاسخ به سؤال یکی دیگر از خبرنگاران مبنی بر وضعیت گروگان‌های داخل اتوبوس، مجرم جوان آنها را دعوت می‌کند تا از نزدیک حال و روز آدم‌های داخل اتوبوس را ثبت کنند. شاترها به صدا درمی‌آید و چهره‌های ترس خورده ثبت می‌شوند. اتوبوس شبیه به موزه‌ای شده که هولناک‌ترین آثار هنری را عرضه کرده؛ چهره آدم‌های مانده در یک قدمی مرگ. کسانی که نمی‌دانند آیا موهبت زندگی دوباره به آنها بخشیده می‌شود یا لحظات پایانی عمرشان را سپری می‌کنند. عکاسان با تمام قوا می‌کوشند تا از هر زاویه‌ای که می‌توانند تصویر ثبت کنند.

۱۳ ساعت از شروع گروگان‌گیری گذشته که بالاخره خودروی مورد نظر گروگان‌گیران به آنها تحویل داده می‌شود. مجرمان به همراه گروگان‌ها سوار بر ماشین به آرامی از مقابل دوربین خبرنگاران می‌گذرند و نخستین تصاویر از وضعیت مجرمان ثبت می‌شود. پلیس به درخواست گروگان‌گیران برای جلوگیری از خشونت بیشتر، عقب کشیده و همین‌جا را برای جولان رسانه باز می‌گذارد. شب فرامی‌رود و خبرنگاران همچنان در پی ماشین مجرمان روانه هستند. هنوز هویت مجرمان شناسایی نشده و پلیس مستأصل است. با شروع روز پلیس وارد بانک می‌شود مگر سرخی از مجرمان بیابد. همزمان در کنفرانسی خبری از اصحاب رسانه می‌خواهد که تا زمان دستگیری گروگان‌گیران و آزادی گروگان‌ها از انتشار گزارش خودداری کنند. توصیه‌ای که به خرج خبرنگاران تشنه نمی‌رود. آنها تصمیم گرفته‌اند در غیاب پلیس دست به کار شوند و تهورشان را به رخ بکشند. با گذشت بیش از ۳۵ ساعت، گروگان‌گیری وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. حالا مجرمان که خودشان را به شهر برن رسانده‌اند اتوبوسی با ۳۰ سرنشین را گروگان می‌گیرند. تازه مشخص می‌شود که یک زن نیز در جمع گروگان‌گیران حضور دارد و آنها در مجموع ۳ نفر هستند. وضعیت هر لحظه وخیم‌تر و آشفته‌تر می‌شود.

قاتلین بالفطره

ثانیه‌های اضطراب

۲ مرد مسلح به بانکی دستبرد می‌زنند و ۲ نفر از کارمندان بانک را گروگان می‌گیرند. برای دومین بار صدای شلیک اسلحه به گوش می‌رسد. تمام اطراف بانک دوپچه شهر گلدبک پر است از ماشین و نیروهای پلیس. مردم کنجکاو هم لابه‌لای ساختمان‌ها و درخت‌ها این پا و آن پا می‌شوند و منتظر شنیدن خبری تازه هستند؛ خبری که تماما از روزنامه‌ها و تلویزیون مخابره می‌شود و از این‌رو خبرنگاران، عکاسان و فیلمبرداران برای شکار تازه‌ترین اتفاق به کمین نشسته‌اند. گزارشگر رادیو به ما می‌گوید که گروگان‌گیران از پلیس درخواست ۳۰۰ هزار فرانک پول به همراه کلید گاوصندوق و یک ماشین را دارند. دوربین دوباره پلیس را به ما نشان می‌دهد که مشغول مذاکره با یکی از گروگان‌گیرهاست. مرد عصبانی تهدید می‌کند که در صورت برآورده نشدن درخواستش، ابتدا گروگان‌ها و سپس خودش را می‌کشد. لحظه‌ای بعد می‌بینیم که یکی از نیروهای پلیس مقداری پول را جلوی بانک می‌گذارد و مدیر بانک سینه‌خیز بسته پول‌ها را به داخل بانک می‌برد و کمی بعد تیراژ آغاز فیلم بالا می‌آید که یادمان نرود مشغول تماشا یکی از مستندترین مستندهای سال هستیم.

نتفلیکس این بار دست روی یکی از بهت‌آورترین گروگان‌گیری‌های تاریخ آلمان گذاشته که تا آن زمان بی‌سابقه بوده؛ واقعه‌ای که در همان زمان میلیون‌ها نفر از چشم رسانه شاهدش بوده‌اند و حالا با تبدیل شدنش به فیلم، ما از چشم حقیقت‌گوی سینمای مستند شاهدش هستیم.

رسانه؛ عامل بحران یا کلید حل بحران؟

حالا دیگر هویت مجرمان برای همه آشکار شده؛ هنس یورگن و دیتر دگوسی، ۲ مجرم سابقه‌دار. هنوز از پلیس خبری نیست تا اینکه در یک اتفاق بدون عاقبت‌اندیشی، پلیس یکی از گروگان‌گیران را دستگیر می‌کند بی‌آنکه فکر کند هر لحظه ممکن است ۲ مجرم دیگر، مسافران اتوبوس را قربانی کنند. دلهره و اضطراب پایانی ندارد و پیش از آنکه پلیس تصمیم بگیرد صدای شلیک اتوبوس بلند می‌شود تا پایان تلخ اقدام اشتباه پلیس و رسانه، تلخی بی‌پایانی برای خانواده‌های منتظر رقم بزند. یک کشته و بعد که خشم و عصبیت گروگان‌گیران مشتعل می‌شود، سوار بر یک خودروی سواری به همراه ۲ زن گروگان از جایی به جایی دیگر می‌روند، بی‌آنکه خسته شوند یا اشتباهی از آنها سر بزنند. پلیس بلا تکلیف است و سردرگم نمی‌خواهد در جایی که ممکن است به مردم عادی و بی‌گناه آسیب برسد با گروگان‌گیران درگیر شود. گروگان‌گیران به کلن می‌رسند و تصاویر نابی‌ از هم‌صحبتی با خبرنگاران و سیگار کشیدن با آنها ثبت می‌شود. دور خودروی آنها به قدری شلوغ است که برای باز کردن راه باید خبرنگاران و مردم را تهدید به تیراندازی کنند. و بعد فصل پایانی خونین و دردناک ماجرا. در قضیه گروگان‌گیری گلدبک رسانه‌ها بخش مهم ماجرا بودند. آنها دسترسی کامل و بی‌واسطه‌ای به جانپان داشتند و همین دسترسی به آنها جرئت داده بود که بخواهند به نوعی شخصا قضیه را حل و فصل کنند اما به بخشی از مشکل بدل شدند. این مستند مثال بارزی از استفاده درست و خلاقانه از آرشیو و مصالح آرشیوی در بازنگری تاریخ است.



روایت آرشیوی

نسرین کشفی

مستندهای آرشیوی برخلاف اینکه ممکن است به‌نظر برسد تولید ساده و آسانی دارند، به‌ساعت‌ها کار و تحقیق برای رسیدن به ساختاری جذاب و روایتی قابل اعتماد نیاز دارند. آرشیوها همیشه منسجم و مرتب نیستند و معمولا به شکل تکه‌پاره‌هایی از واقعیت نزد افراد و مؤسسات مختلفی نگهداری می‌شوند که یافتن آنها و سر و شکل دادن به این پازل‌های واقعیت کار آسانی نیست. در سال‌های گذشته لزوم استفاده از آرشیو در مستندهای نهادهایی که به آرشیوهای اسناد و مدارک مختلف دسترسی دارند، آشکار شده است. آرشیو یعنی تاریخ و تاریخ موضوعی است که برای کسب هویت و تثبیت واقعیت‌ها و باورها کارکردی مهم دارد. اما مستندهای مستقل کمتر امکان دسترسی به آرشیوها را دارند. دارندگان مصالح آرشیوی، علی‌الخصوص نهادها و مؤسسات نگهداری متون آرشیوی، از جمله فیلم و عکس و سند و مدرک، برای در اختیار گذاشتن این مصالح در اختیار مستندسازان مستقل قوانین سخت‌گیرانه و موانع پرشماری دارند. از سوی دیگر، سر و کله زدن با مقدار زیادی اطلاعات و نظم بخشیدن به آنها نیازمند برخورد سیستماتیک با منابع آرشیوی و بهره‌گیری از شیوه‌های تحقیق معتبر است. مستندسازی که صرفا مقدار زیادی مواد آرشیوی را به‌صرف تازگی و دیده نشدنشان در مستندش می‌انبارد و به خیال خود به این ترتیب تماشاگرش را شگفت‌زده می‌کند، خبر ندارد که فقط باعث ملال مخاطبش می‌شود و بعد از چند دقیقه توجه مخاطبش را از دست می‌دهد و تمام زحماتش هدر می‌رود. بر خورد با مواد آرشیوی نیازمند ساختارمندی و مشخص کردن هدف استفاده از چنین مصالحی است. هر تصویر یا هر فایل صوتی آرشیوی تنها زمانی به‌کار می‌آید که در خدمت هدف اصلی مستندساز باشد. صرف اینکه عکس یا تکه‌ای فیلم یا سند یا مدرکی مکتوب، مدت‌هاست در آرشیو خاک می‌خورد و توجه کسی را به خود جلب نکرده، نباید باعث شود که مستندساز بخواهد از آن استفاده کند بدون اینکه آن ماده آرشیوی او را به مقصودش نزدیک کند. «دبستان پاریسی» ساخته حسن نقاشی که بهترین مستند بخش ملی پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت شد، در استفاده از مواد آرشیوی و ساختار روایی نمونه‌ای مثال‌زدنی است. مستندساز مواد و مصالح مورد نیازش را با دقت برگزیده و در ساختاری محکم عرضه کرده است. صدحیف که تا امروز امکان آکران این مستند ارزشمند مهیا نشده است.